

تأثیر آئین مهر بر مسیحیت

۱- علی اصغر بیرگانی*، ۲- دکتر محمد تقی فاضلی

۱- دانشجوی ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جامع شوشتر

۲- استادیار گروه دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع شوشتر

چکیده:

مهر یکی از ایزدان مهم در آئین زرتشت بود. قبل از پادشاهی گشتاسب که هنوز نامی از زردشت در شاهنامه نیست، کیخسرو با ایزدان زردشتی ستوده می شود. قدیمی ترین سرود اوستا بعد از فروردین یشت، مهر یشت نام دارد. مهر یشت شامل دو بخش است: بخشی که قبل از ظهور زردشت وجود داشته است و یشتی که بعد از ظهور زردشت نوشته شده است. در دوران اشکانی آئین مهر توسط سربازان به آسیای صغیر و از آنجا به اروپا راه یافت و در حدود چهار قرن اروپا را تحت سیطره خود داشت. آئین میترا در اروپا به صورت دگرگون شده ای از آئین مهر در ایران بود. امپراطوران روم مهربانه های بسیاری در اروپا ساختند. افسانه های بسیاری برای تولد مهر ساخته اند. در اساطیر کهن ایران میترا از صخره ای زاده شده است و هنگام زاده شدن خنجری در دست دارد. میترا گاو نخستین را در غاری کشت با کشتن گاو آفرینش شروع می شود. و از تک تک اعضای بدن او گلها و گیاهان و خوشه های گندم روئیده می شوند. اما کشتن گاو در نزد پیروان میترا به شدت افراط می شد و زردشت با شعار شکایت گاو نخستین از مردم نزد گشتاسب می رود و گشتاسب با قبول دین زردشت، آئین های مهری را برانداخت. آئین مهر در اروپا با قدرت گرفتن مسیحیت و مسیحی شدن کنستانتین امپراطور روم

در قرن چهارم میلادی از میان رفت در حالیکه بسیاری از آداب و رسوم آیین مهر در مسیحیت رواج یافت مساله این پژوهش چیستی مفاهیم نمادین ایزدمهر در اروپا و ایران و هدف آگاهی از مفاهیم نقش این ایزد و چگونگی حضورش در دو منطقه جغرافیایی است.

واژگان کلیدی: مهر، آئین زرتشت، مسیحی، میترائیسم.

مقدمه

در گذشته های بسیار دور اقوامی که اکنون در اروپا، ایران و هند زندگی می کنند، همه به یک گروه از قبایل تعلق دارند که اکثر آنها را هند و اروپائیان می نامند. به تدریج شاخه شاخه شدند و ملت خاصی را تشکیل دادند. آریائیان که بخشی از این اقوام بودند، راهی جنوب شرقی شدند و در هزارهٔ دوم ق.م به هند و ایران حمله کردند. اقوامی که در هند و ایران استقرار یافتند، به هند و ایرانیان معروف شدند. مهر در اساطیر هند و ایرانی، برکت بخش و شریک در فرمانروایی جهان و نگهبان پیمان است و بعدها به علت دگرگونی های اجتماعی، به ایزد پاسدار و پشتیبان همه گروه های اجتماعی تبدیل می شود. ستایش و نیایش ایزد مهر در اساطیر و آئین های دینی هند و ایرانی جای والایی داشته و بعدها کیش جداگانه ای به نام میترائیسم از آن پدید آمد و در بخش بزرگی از آسیا و اروپا گسترش یافت. بسیاری از نهادهای دینی مسیحیان و پاره ای از جنبه های ادیان دیگر، اقتباس از بنیادهای مهر آئینی است. (گویری، ۱۳۸۵، ۱۵۹)

روش تحقیق

روش تحقیق: به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد گردآوری اطلاعات عمدتاً کتابخانه ای می باشند. بدین صورت که ابتدا منابع دست اول و سپس از مقالات و کتابهایی در زمینه این مقاله استفاده شد.

پیشینه تحقیق

۱. جعفری (۱۳۹۶)، در پژوهش خود تحت عنوان "تأثیر مهر پرستی بر مسیحیت" می نویسد: "مهر، میترا یا میثرا از ایزدان باستانی آریائی یا هند و ایرانی پیش از روزگار زرتشت است که معنی عهد و پیمان و محبت و خورشید نیز می دهد که پس از ظهور حضرت زرتشت

و رواج دین زرتشتی، یکی از ایزدان یا فرشتگان دین مزدیسنا گردید. دین مهر پرستی یا میترائیسم و دین مسیحیت همانندی‌های بسیار دارند: مسیحیت غرب چارچوب اصلی خود را که به این دین پایداری و شکل بخشیده، به ادیان پیش از مسیحیت روم باستان از جمله میترائیسم، مدیون است. در قرن‌های ابتدایی قبل از میلاد مسیح، میترائیسم رقیب بسیار سرسخت مسیحیت بود، چرا که در آن زمان میترا ناجی و نشان دهنده راه و آئین زندگی بود. غسل تعمید، جشن عروج، افسانه نان و شراب یا شام آخر و مراسم عشاء ربانی و گرامی داشت روز یکشنبه از جمله تأثیراتی بود که دین میترائی بر مسیحیت گذاشته است که نگارنده در مقاله خود به آن پرداخت، (جعفری، ۱۴۹، ۱۳۹۶).

۲. آورزمانی (۱۳۹۷)، در پژوهش خود تحت عنوان "آیین مهر در اسطوره و تاریخ و سیر تحول آن در شرق و غرب" می‌نویسد: "مهر، بزرگ ایزد آریائی که نماد نور و فروغ خورشید، یاور جنگجویان راستین و خدای عهد و پیمان بوده، پس از مهاجرت آریائیان به ایران و هند جایگاه ویژه‌ای داشت چنانکه در هندوستان در کنار سایر خدایان بود و نزد ایرانیان ستایش می‌شد و مقام بالایی داشت. پس از ظهور زرتشت، میترا خدای خورشید یار و یاور اهورامزدا شد که همراه با آناهیتا ایزد بانوی باروری و آب‌های پاک همواره در دین زرتشت به حیات خویش ادامه داد. مهرپرستی در دوران اشکانی و ساسانی به دیار غرب رفته و حدود ۵ قرن آئین رسمی امپراطوری روم شد و تأثیری که بر فرهنگ و هنر مسیحی گذاشت تاکنون برجاست که در این مقاله به آن پرداخته شد. (آورزمانی، ۴۲، ۱۳۹۷).

۳. دادور و میر عمادی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود تحت عنوان "پوشاک ایرانی ایزد مهر، نمادی شرقی در فرهنگ و تجلیات میترا در غرب" می‌نویسند: "پوشاک مردمان ایران زمین در دوران باستان از مواردی است که نقش بسزایی در فرهنگ این سرزمین ایفا می‌کند و در پوشاک ایزدمهر، الگوی ایرانی را می‌توان دید. با حضور این کیش در اروپا، پوشاک ایرانی مهر در اروپا، مسیحیت ظهور کرد و علی‌رغم عناد مسیحیان و از بین بردن مظاهر مهرپرستی، این آئین در دل مسیحیت متبلور، استحاله گردید و موجب شد تا عناصر آن در نهاد این دین رسوخ کند که امروزه به عنوان اصلی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین عناصر و نمادهای آن به شمار می‌آیند. یکی از این عناصر، پوشاک و کلاه ویژه مهرپرستان است که حتی در جزئیات نیز

مسیحیت از آن پیروی تام کرده است. در این مقاله، ابتدا پوشاک ایزد مهر با توجه به ماهیت ایرانی آن و سپس سیر تحول و تطور آن در میترای غربی و پوشاک مسیحیت مورد مطالعه قرار گرفته است، (دادور و میرعمادی، ۱۳۹۱، ۴۷).

تاریخچه اسطوره مهر یا میترا

این اسطوره در هند پیشینه ای دیرینه دارد، کهن ترین نوشته ای که در آن از مهر نام برده شد، عهدنامه میتانی و هیتی هاست. سند یاد شده در سال ۱۹۰۷م. در حفاری های بغازکوی پایتخت هیتی ها در شمال غربی آسیای صغیر به دست آمده است، (گویری، ۱۳۸۵، ۱۵۹)، او مظهر پیمان، دوستی، روشنی و صاحب صفت اسورایی می باشد. مفهوم میترا، چیزی است که به یاری آن پیوند و تعهدی اختیار می شود. طبق نظام سه لایه هند و اروپایی، میترا فرمانروایی است که نیروی قانونی و قضایی را دارد. او موصوف به صفت پیونده می باشد. از لحاظ وظیفه ای که، بر عهده دارد. شبیه به برهمنان و محافظین سنن معنوی است در حالی که ورونه حاکم "کشتریا" و ضامن اجرای تعهدات است. (شایگان، ۱۳۷۱، ۵۹)، میترا در ودا معمولاً نامش همراه ورونا ذکر شد و از ۱۰۲۸ سرود ریگ ودا، فقط یک سرود خطاب به اوست. میترا خدای روز و ورونا خدای شب معرفی شدند. میترا ظاهراً شکل و صورتی از آفتاب می باشد. هر چند فقط در ریگ ودا یک سرود خطاب به او است. ولی در سروده هایی که خطاب به ورونا خدای شب معرفی شده اند. میترا ظاهراً شکل و صورتی از آفتاب می باشد. هر چند فقط در ریگ ودا سرود خطاب به او است ولی در سروده هایی که خطاب به ورونا و دیگر خدایان سروده شده بالغ بر ۵۹ بار نامش مذکور است. میترا چون به سخن در آید، مردمان را به کار می انگیزد. او زمین و آسمان را نگاه می دارد. او نوع بشر را با دیده ای که بسته نمی شود، می نگرد. او حافظ "آدیتیه ها" است. او با پادشاهی زاده شده و پادشاه بخشنده است. او یکی از "آدیتیه های" بزرگ و نگاهدارنده بشر است. هم در ودا و در اوستا، میترا خدای آسمانی و خورشیدی است و صفاتشان مشابه می باشد. در ودا میترا خدای صلح و در اوستا خداوند اخلاق و حافظ، صداقت و وفاداری شناخته شده است، (جلالی نائینی، ۱۳۷۲، ۱۲۰)، شایان در این زمینه می نویسد: "یکی از خدایانی که از زمانهای قدیم در ایران و هند مورد پرستش و احترام بود، مهر یا میترا است. کسانی که این خدا را می پرستیدند مهر پرست گویند. مهر خدای روشنایی و

مظهري از خدای خورشید است. به عقیده مهرپرستان این خدا بسیار نیکوکار و مقید به حال مردمان است. او تمام چراگاهها را صاحب و پشتیبان حق و حقیقت است، مومنان به میترا می گویند اوست که انسان را در مبارزه با دیوان یاری می رساند، اوست که مدافع انسان در برابر ظلم و ستمگری است. اوست که نظم جهان را حفظ کرد، انسان را در برابر دروغ حفظ می کند و سرانجام اوست که داور و قاضی بزرگی است که پس از مرگ به قضاوت می نشیند و درباره اعمال خوب و بد انسان داوری می کند. احتمالاً این آئین در بین مادی ها نیز رایج بود." (شایان، ۱۳۸۰، ۹۰)، مهر در ابتدا خدای شب بود ولی پس از قدرت تدریجی او، خدای آسمان نیز لقب گرفت. اولین خدایی که ایرانیان به عنوان پرستش انتخاب کردند میترا بود. البته قبل از میترا ایرانیان به مظاهر طبیعت احترام فراوانی می گذاشتند ولی پس از پرستش مهر ستایش عناصر طبیعی کم رنگ شد. میترا مظهر نور و روشنی، عهد و پیمان، دشمن بدی و ناراستی و خدای آفتاب بود "او خود خورشید نیست بلکه نور و روشنی است تاریکی را زایل می کند. زندگی و شادمانی را به زمین هدیه می کند. با گرمای انوارش طبیعت را بارور می کند و دیوهای تاریکی را به دور می راند." (کوئن، ۱۳۸۳: ۲۵)، ایرانیان آریائی، مهر پرست بوده و مغ ها به عنوان روحانیون دین مهر از طایفه های بزرگ شهرنشین بودند. زرتشت پیامبر هم در وهله اول مغ بود و بعدها اصلاحاتی در آئین مهر وارد کرد و به دین جدید در آمد و در نهایت به پیامبری مبعوث شد. زرتشت نیایش اهورامزدا خدای عقل و خرد را رواج و برخی از رسوم میترايي را منع کرد. بنایی در شهر ملایر مربوط به دوره مادها به اسم نوشیجان "جایگاه جاویدان" است که نیایش آتش در چهار طاقی نوشیجان معروف به آتشکده احتمالاً به آئین مهر باز می گردد. از آنجا که میترا مظهر نور و فروغ خورشید و روشنایی بوده است. این آتش مقدس در کیش زرتشتی نیز نیایش می شود زیرا مسئله نور و تاریکی و پیروزی خیر بر شر یا همان نور بر ظلمت اصل مهم و اساسی در دین زرتشت است. هخامنشیان نیز ابتدا در فضای باز آتش را می پرستیدند. آثار نیایش آتش در فضای باز در نقش رستم و نیز پاسارگاد دیده می شود. اقوام "تیره" کوروش احتمالاً مهرپرست بودند و داریوش و شاهان دیگر به آئین زرتشت بودند چنانکه در کتیبه داریوش آشکارا از خدایان دیگر نام برده شده است. در کتیبه اردشیرشاه از مهر می خواهند در ساخت بنا به ایشان کمک کند که خود از نشانه های

مهرپرستی و یاری خواستن از ایزد یاور مردمان است. (آورزمانی، ۱۳۹۷، ۴۷)، پس از به قدرت رسیدن پارتیان، پرستش مهر از سر گرفته شد و در همین دوران به اوج شکوفایی رسید و رهسپار غرب شد نام مهرداد که در میان فرمانروایان پونتوس، کاپادوسیه، ارمنستان و کماژن دیده می شود، اهمیت مهر را در این مناطق روشن می سازد. کتیبه ای از آنتیوخوس اول کماژنی، پسر مهرداد کالی نیکوس پادشاه سلسله نیم ایرانی و نیم یونانی جانشین اسکندر که در سده اول میلادی در شمال سوریه پادشاهی می کرد، در نمرود داغ یافت شده که نوشته ها و نقوش آن گویای اعتقادات مهر پرستی این پادشاه و پدرش مهرداد است. (باقری، ۱۳۸۵، ۱۵۵)، عباسیان در این زمینه می نویسند: "تیرداد، برادر بلاش اشکانی از جمله کسانی بود که پس از گسترش آئین مهر و تثبیت آن در روم به مرز جذب قدرت و سیاست مذهبی روم گردید و در سال ۶۶م. به روم رفت و از دست نرون تاج پادشاهی ارمنستان را بر سر نهاد." (عباسیان، ۱۳۸۵، ۲۱۷)، و آداب و رسوم تشریفات مهرپرستی را به نمایش گذاشت و اعلام کرد که ایزد پیمان و دوستی رابطه دوستانه و صلح آمیزی را بین ارمنستان و روم برقرار کرده است. (هینلز، ۱۲۳، ۱۳۸۵)، با روی کار آمدن ساسانیان، حضور مهر را به عنوان عنصری مهم در دین زرتشتی ساسانی، می توان در برخی از نقش برجسته های برجای مانده از آنان مشاهده کرد. مهم ترین آنها نقشی است از شاپور دوم در طاق بستان کرمانشاه که وی را در میان دو پیکره نشان می دهد؛ سمت راست او اهورامزدا است که حلقه فر ایزدی را به منظور تاجگذاری به او می دهد، سمت چپ مهر قرار دارد که تشعشات نور همچون خورشید دور تا دور سر او را فرا گرفته و شاخه ای از گیاه که برسم گفته می شود در دست دارد. خورشید در آئین مزدیسنا ساسانیان مقام والایی داشته و به آن سوگند یاد می کردند اما ایزد آن هور، مقام چندان مهمی نداشته است، بنابراین ستایش آفتاب در حقیقت ستایش مهر بوده است. (کریستنسن، ۱۳۷۸، ۱۰۲)، در زمان زرتشت، مهریشت یکی از منبع های تاریخی دینی و اجتماعی ایران در نخستین دوران هزاره های گمشده است. از این رو این یشت با ۳۵ کرده و ۱۴۶ بند، پس از فروردین یشت، بلندترین یشت هاست. میترا یا مهر ایزد روشنایی و پیمان، بازیگر اصلی این بخش از تاریخ اجتماعی ایران است و از همه نشانه ها پیداست که این ایزد را ایرانیان مانند هندوان، از خاستگاه آریایی نخستین خود دانسته اند. کار میترا از روزگاران گم

شده ای که از آن، جزء افسانه و اسطوره چیزی بر جا نمانده از زمانی که ایزد هوم به وسیله میترا، ورنه و دیگر خدایان هند و ایرانی کشته می شود، آغاز شد. سهم میترا از کشته هوم شیرۀ اوست که بر زمین می پاشد، گیاهان و جانوران گوناگونی از این شیره پدید می آیند. دیگر، کشته شدگان گاو به دست میترا است. از جریان خون گاو بر زمین، بر برکت و سرسبزی آن افزوده می شود و سرودهای گوناگون گیاهان و جانوران پدید می آیند. (پوردادود، ۱۳۷۷، ۴۶)، رستم پور در این زمینه می نویسد: "به تدریج ظهور زرتشت و گسترش آئین او در میان ایرانیان موجب شد که از ارزش و اهمیت مهر کاسته شود. زرتشت برای آن که مردم را از پرستش خدایان فراوان باز دارد و آنان را به یکتاپرستی وادار سازد. مردم را به ستایش تنها یک خدا "اهورامزدا" ترغیب کرد. سپس پیروان زرتشت، مهر را به عنوان داناترین ایزد در دین خود پذیرفتند و او را مظهر نیکی محسوب کردند. البته در آئین زرتشت به صورت جدید، مهر را در رده پایین تر از اهورامزدا قرار دادند و او را ایزدی دانستند که از آفرینش اهورامزدا پاسداری می کند. (رستم پور، ۱۳۸۴، ۵۴)



(شکل ۱) میترا در حال شکار گاو (دادور و میرعمادی، ۱۳۹۱، ۵۱)

نماد آئین مهر و تشریف آن

مهر آئینی سرشار از نمادهاست و دینی که با نجوم و ستاره شناسی در ارتباط است. خدا نماد آسمانی بوده و نمادهای عنصری، حیوانی و گیاهی نیز وجود داشته که مهر هم از این قاعده مستثنی نبوده است. معمولاً نماد زمینی مهر جوانی ورزیده و زیبا، نماد آسمانی آن خورشید، نماد گیاهی گل آفتابگردان، نماد حیوانی شیر، نماد فلزی طلا و نماد رنگین آن قرمز است. میترا در نقش برجسته های اروپایی با شئل قرمز ظاهر شده است. بعدها این رنگ بر شئل حضرت مریم "س" و عیسی "ع" ظاهر می شود و در فرهنگ و هنر مسیحی رنگ سرخ به واسطه

پیشینه آن در آئین مهر جایگاهی ویژه می یابد. (آورزمانی، ۱۳۹۷، ۴۳)، جلالی نائینی در مورد آئین مهرپرستی می نویسد: "در زمان باستان مهر پرستی در نزد آریایی ها اندک اندک تکامل بسیار یافت. مهر خدای نور، آسمان و ازلی است و پیروانش تکامل بسیار یافت و در درون مغازه ها و دخمه ها به پرستش او می پرداختند. در معابد مهر پرستان که هنوز در بعضی از نقاط غرب ایران، مانند کنگاو و همچنین در برخی از نواحی قاره اروپا، آثاری از آنها باقی مانده است." (جلالی نائینی، ۱۳۸۴، ۹۲)، آئین مهرپرستی روز به روز گسترش بیشتری می یافت. مهردین برای پیوستن به گروه باید زیر نظر بالاترین مقام روحانی "مغ" هفت مرحله سلوک را طی کند. پذیرش با شرایط سختی روبه رو بود. تشریف یافتگان به کیش مهر ناگزیر به گذراندن هفت مرتبه بودند که از پائین ترین مرتبه آغاز می شود و به بالاترین مرتبه پایان می یافت. مراحل سلوک عبارتند از:

۱. مقام کلاغ: به روایت جروم اعضای این مرتبه ماسک کلاغ بر چهره داشتند. این موضوع شکلی را که در طرف چپ صحنه ضیافت همگانی در نقش برجسته کونیک می بینیم، توجیه می کند.

۲. نماد عروس: در این مرتبه شخص تشریف همچون عروسی به ازدواج کیش مهر در می آمد. وی نیم تنه زرد کوتاهی که نوارهای سرخی داشت بر تن می کرد و گمان می کردند که صاحب چنین مرتبه ای از حمایت ونوس "زهره یا ناهید" برخوردار است.

۳. نماد سرباز: برای تشریف به این مرتبه شخص بایستی برهنه و چشم بسته زانو زند. تاجی که بر نوک شمشیر نهاده شده بود، بدو تقدیم می داشتند، اما او آن را نمی پذیرفت، زیرا بر آن بود که فقط مهر تاج سر اوست. این اندیشه که مهر و پرستندگان او جنگجویان راه راستی بودند، عقیده ای است که در میان هندیان و ایرانیان رواج داشته است.

۴. نماد شیر: نخستین مرتبه از مراتب اعلی به شمار می رفت. از نقش برجسته کونیک بر می آید که دارندگان این مرتبه در ضیافت همگانی ماسک حیوانی را بر چهره می زدند و در نقش های برجسته دیگر، فقط نیم تنه های قرمز مشخصی با نوارهای ارغوانی بر تن دارند. نماد شیر رعد و برق و بیلچه آتش است، پس از ورود به مرتبه آتش، شیر مراقبت از شعله مقدس

آتشدان را بر عهده دارد. جزء سوم از نمادهای شیر جغجغه فلزی مصری که غالباً در آئین های راز آمیز به کار می رود.

۵. مقام پارسی: در هنگام ورود به مرتبه شیر و مرتبه پارسی داوطلب، با غسل تطهیر می شد. نمادهای مرتبه پارسی خوشه غله و داس است. زیرا دارنده چنین مرتبه ای را نگاهبان میوه می نامیدند.

۶. مقام خورشید: پیک خورشید دارای بعضی از نمادهایی است که نشانه های سل هستند یعنی تاجی که دارای شعاع است، مشعل و تازیانه. تشریف یافتگان به این مرتبه در ضیافت همگانی در جایگاه سل قرار می گرفتند.

۷. نماد پدر: این مرحله، مرتبه هفتم است. نماینده زمینی مهر است. صاحب این مرتبه در ضیافت همگانی در جایگاه این خدا قرار می گرفت و مسئولیت نظم و تعلیم مومنان بر عهده او بود. حلقه و عصا دلالت بر نقش تعلیمی او دارد و کلاه پارسی بیانگر ارتباط او با این خداست. وی همچنین داس ساتورن "زحل یا کیوان" را دارد. (هینلز، ۱۳۸۵، ۱۳۵).

آداب و رسوم مسیحیت

در قرآن کریم از حضرت عیسی به عنوان پیامبر بزرگ الهی یاد شده و بارها بر تأیید او توسط روح القدس تأکید شده و حتی قرآن، به صراحت او را کلمه و روحی از جانب خداوند خوانده است. در جامعه مسیحی نذر، عهد و پیمانی که کشیشان و راهبان سالک بر آن استوار می مانند، منبع مشترک و مشترک و همگانی است که می توان از آن برای استناد به جامعه مسیحی استفاده کرد. راهبان، اعمال، مناسک و تکالیف و تعالیم دینی خود را به صورت روزانه در گروه های "گُر" آهنگ های دسته جمعی "انجام می دهند و جوامع مختلف مسیحی در قالب گروه ها و تجمع های عظیم و وسیع، برای مراسم عبادی، در صبحگاهان یا شامگان و یا در روزهای یکشنبه، گرد هم آمده و به دعا و نیایش و حمد و ثنای پروردگار همت می گمارند. زندگی مشترک در مسیح، به مسیحیان می آموزد که در شادی مومنان، خویشان را شاد احساس کنند و هنگامی که برای مویه و عزاداری فرا خوانده شدند، خود را شریک غم، اندوه و مصیبت دیگران بدانند و یار و غمخوار یکدیگر باشند. (ارزانی، ۱۳۸۸، ۱۳۶)، با انجام مراسم غسل تعمید که یکی از تشریفات دینی و مذهبی است، مسیحیان با فیض و ایمان در بدن مسیح

مشترک می شوند. "بدن یکی است، اما اعضای بسیاری دارد. وقتی تمام این اعضا کنار هم قرار گیرند، بدن تشکیل می شود. بدن مسیح نیز همین طور است. هر یک از ما عضوی از بدن مسیح می باشیم. بعضی از ما یهودی هستیم و بعضی غیر یهودی، بعضی غلام هستیم و بعضی آزاد؛ اما روح القدس همه ما را کنار هم قرار داده است و به صورت یک بدن در آورده است. در واقع، ما به وسیله یک روح، یعنی روح القدس، در بدن مسیح تعمید گرفته ایم و خدا به همه ما از همان روح عطا کرده است." (اول قرنتیان، ۱۲، ۱۳-۱۲)، آنچه در مراسم عشاء ربانی صورت می گیرد، که نمادی است از یکی شدن خون مسیح با خون و بدن مومنین، و آن غذای متبرک و نان و شراب مقدسی که استفاده می کنند، ره توشه ای برای سفر معنوی سالک است. از این رو سالک، آن ره توشه را بر می گیرد و به راه خویش ادامه می دهد. تا به راستی ضیافت الهی را دریافته و میهمان خدا شود. نان و شراب، مادی و این دنیایی است، ولی آنچه مهم است این که، این مراسم و غذاهای متبرک در حقیقت نماد و سمبلی از آن لطف و فیض الهی، و در حقیقت، فرو رفتن سالک در ابدیت و جاودانگی روح در روح مسیح است. (ارزانی، ۱۳۸۸، ۱۳۹).

آئین مهرپرستی در ایران و اروپا

آئین مهر میان همه مردم جهان شناخته شده است. ولی با این توصیف پس از ورود مسیحیت، مردم نمی توانستند به یکباره آئین نیاکان خود را که بسیار عزیز می داشتند، رها کنند. حتی بسیاری بر این باور بودند که مسیحیت به نوعی دنباله همان آئین مهر است و بسیاری از کلیساها را بر ویرانه های پرستشگاه های مهر ساخته و سعی در ایجاد ارتباط تنگاتنگ میان این دو کیش کردند. (کریستنسن، ۱۳۷۸، ۲۲۶)، رجبی در این زمینه می نویسد: "در قرن های ابتدایی ق.م. مسیح، میترائیسم رقیب بسیار جدی مسیحیت بود، چرا که در آن زمان میترا تنها ناجی و نشان دهنده راه و دین زندگی بود. به دلیل حضور موازی دو سیستم قوی در یک زمان و در یک محدوده جغرافیایی، ۲۵ دسامبر، روز تولد میترا، روز تولد مسیح شد و درست از همین جا نفوذ ایده های میترائی به مسیحیت آغاز شد." (رجبی، ۱۳۸۴، ۷۴)، در آغاز، قسمت دین مسیحیت را میترائیسم تشکیل می داد، ولی به مرور زمان هنگامی که موقعیت دین رسمی امپراطوری روم

را پیدا می کند، جریان ایده های شرقی شروع می شود. حتی سروده های مذهبی پارسی که در آن آشوزرتشت، تولد ناجی، حضرت عیسی را پیشگویی کرده و به تعمیم او نیز اشاره شده و در انجیل هم آمده، قانونی و مقدس به حساب نیامدند. (جعفری، ۱۳۹۶، ۱۵۳)، شورتهایم در این زمینه می نویسد: "از قرن چهارم م. مسیحیت دچار تضادهای داخلی و مبارزات بی رحمانه و سخت داخلی برای حفظ حقوق احکام و انجیل می شود و دین مسیحیت با ترس شدید از نابودی روم در مقابل پارسی ها با آنکه منشعب از میترائیسم با ریشه های زرتشتی بود، کوشش کرد خود را مستقل کند. (شورتهایم، ۱۳۸، ۱۰۱) روم به دلیل جنگ با امپراطوری پارس یعنی ایران، مهد میترائیسم را دشمن همیشگی و جدی خود می دانست و به همین دلیل احساس نیاز به ایدئولوژی مستقل دولتی، برای مقابله با هرگونه تأثیر از سوی ایران و ایده های شرقی رشد می کند و مسیحیت چون پدیده ای نو، پیروزی خود را جشن می گیرد. از قرن چهارم، م. زروانیسم، اعتلای خود را در زمان ساسانیان کسب می کند و به دنبال آن دوران طلایی ستاره شناسی، ریاضیات، ادبیات و ... خطر جهانی شدن پیدا می کند که این برای امپراطوری روم خطر جدی محسوب می شد، از اینجاست، که امپراطوری روم کوشش می کند با ایدئولوژی و کلیسای سازمان یافته خود، در برابر دین قوی زرتشت مقاومت کند. (کومن، ۱۳۸۰، ۹۹)، اما هر دو امپراطوری روم و ایران مهر را پذیرفتند. شورتهایم در این زمینه می نویسد: "خدایان مختلف بیگانه ای از کشور روم وجود داشتند، اما این خدایان که در روم میهن گزیده بودند، ایزدانی بودند که از مردمان و شهرهای معین آمده بودند، در حالی که مهر از آسیای صغیر تا کوهستان های هند پرستش می شد. تعدادی از شهرهای یاد شده و مخصوصاً در ارمنستان کوچک و کماژان و حتی بسیاری از شهرهای متعلق به ایران باستان زیر نفوذ روم در آمده بود، رومی ها مهر را که خدای بسیاری از مردم شهرها محسوب می شد به عنوان خدای پدر پس از سقوط یونان و پیروزی روم برای اداره شهرهای زیر نفوذ خود انتخاب نمودند. (شورتهایم، ۱۳۸۷، ۴۸).

گسترش آئین مهر در روم شرقی

آئین مهر در روم شرقی "آسیای صغیر" و سپس در اروپا از دو طریق نفوذ و گسترش پیدا کرد. یکی به وسیله سربازان شرقی که در زمره سپاهیان بودند و با لژیونرهای رومی پس از پایان

جنگ که به میهن خود باز می گشتند همراه شدند و دیگری بازرگانان و مسافرانی بودند که از راه رودخانه راین به این بخش گذر نموده و رفته رفته با شهروندان شهرهای اروپایی و به ویژه مردم ژرمنی آشنا شده و آئین خود را در آنجا گسترش دادند. آئین مهر پس از گذشت زمان به تدریج به کشورهای شمالی تر اروپا نفوذ کرد و مذهب بازرگانان شمالی اروپایی گردید و در نهایت در جزیره انگلیس جایگاه والایی برای خود یافت. (عباسیان، ۱۳۸۵، ۲۲۲)، عباسیان به نقل از شورتهایم در مورد آئین مهر در سواره های کماندار رومی می نویسد: "یک اردوی رومی به نام کماژنا در مرز اتریش لیمه در استان نوریکوم بود. چنان که از نام این لژیون پیداست، افراد این اردو همه از کماژن بودند. یکی از سربازان برای تندرستی همزمانش، به ویژه آنان که در پست کمانداران خدمت می کردند، یک مهراب در همسایگی بر پا ساخته است. آنان می پنداشتند که در چنین پست خدمتی، دارای ایمنی ایزدی خواهند شد، چه مهر به آب دریا و ابرها تیرها می نموده و در بسیاری از جاها در چهره سوار کماندار تجسم و پدیدار شد." (همان)، این انگیزه نیز از افسانه های ایران باستان، احتمالاً از آرش کمانگیر که مظهر دلاوری و جنگجویی بود سرچشمه گرفته باشد، چنان که تیر آرش از دروازه شهرهای بسیاری گذشت تا به دشمن برسد، به طور کلی این افسانه ها و سرودهای مربوط به آئین مهر نیز برای رومیان جالب بود.

اشتراکات آئین مهر و مسیحیت

میترائیسم به بروز مسائل از خود ساخته، گمراهی و کفر امکان حضور نداد و حتی در محیط جنگی که میترائیسم در آن رشد کرده بود، نتوانست شرط بندی فقهی شود. در صورتی که مسیحیت به عنوان یک ایدئولوژی همه کاره به مردم اجازه داد با اعتقادات و نظرات کاملاً مختلف و متنوع، زیر نشان عیسی مسیح، پیرو و هوادار باقی بمانند. این شرایط، نقش بسیار عمده ای را در گسترش و توسعه کلی دین مسیحیت ایفا کرد. (اولانسی، ۱۳۸۰، ۱۰۹)، میسحت بیشتر مردمی بود و هر کدام از اسقف ها می توانستند پایه گذار جریان نو مسیحیت باشند. با نتیجه گیری از اساس تئوریک، برای ارضای منافع شخصی و کلیسا که هیچ ارتباطی با آموزش پاک عیسی نداشته است، تلاش می کردند. تاریخ مسیحیت، انباشته از خرافات متنوع و

مسائل رنگارنگ، از ایده های شرقی دور می شود و پیچیدگی مرموز فقهی پیدا می کند و خطر افتادن به دام صوفیسم تهدیدش می کند. (لویی، ۱۳۹۰، ۲۰۱)، مسیحیت در بسیاری از مسائل و مراسم دینی و مذهبی مدیون میترائیسم باقی می ماند و در آئین دینی و مذهبی اروپا ریشه های شرقی نفوذ کرده و جای می گیرد. برای نمونه، تثلیث در هر دو دین وجود دارد. آئین های میتراایی به طور مخفیانه و در سرداب ها تشکیل می شد و مهرابه ها نیز به شکل غار بنا شده و در آن دخمه ها مراسم اسرار آمیز دینی، برگزار می گردید. مراسم تطهیر و غسل تعمید نیز در هر دو دین مشترک بود.



(شکل ۲) مهرابه سنت کلمنت، رم. تندیس میترا داخل مهراب و آتشدان با نقش مهر در حال قربانی گاو مقابل مهراب (مقدم، ۱۳۸۸، ۴۵)

افروختن شمع در کلیساها، نواختن ناقوس، وجود حوضچه آب مقدس در ورودی کلیساها و سرود دسته جمعی به همراه نواختن موسیقی، از شباهت های مراسم میترائیسم و مسیحیت هستند. مراسم شام آخر یا عشاء ربانی و تناول نان و شراب در هر دو دین مشترک است، دروازه مقام متیرائی و دروازه فلک یاور میترا به حواریون دوازده گانه عیسی تغییر یافتند، روز یکشنبه "مهرشید در فارسی" به نام روز خورشید، چنانکه از نام آن پیداست، روز ویژه مهرپرستان بود که در مسیحیت نیز به همین شکل است، رهبانیت و ریاضت در دین میترائی وجود داشت و به مسیحیت نیز راه یافت. مسیح و مهر هر دو در رستاخیز ظهور نموده و اعمال انسان ها را داوری می کنند. اعتقاد به روح، جاودانگی و قیامت از موارد مشترک بوده، همانگونه که مهر میانجی میان خداوند و بشر است، مسیح نیز واسطه خدا و انسان است. گفته می شود نشان هلال ماه بالای هفت شاخه شمعدان در برخی از کلیساها یاری گر این نظر است، از آن رو که ماه در دین میترا نقش نمادین مهمی دارد، مقام هفتم از دین میترا مقام پدر پدران است که به دین

مسیح را یافته و کشیشان پدران مقدس و پاپ پدران نام گرفتند مهر در برج حمل، بره به دوش دارد و عیسی نیز بره ای در آغوشش گرفته است، سرانجام روز تولد مهر یا خورشید شکست ناپذیر همان روز انقلاب زمستانی در روم بیست و پنجم دسامبر بود که در سده چهارم، م. روز میلاد مسیح تعیین شده و به عید کریسمس و تولد مسیح شهرت یافت. (جعفری، ۱۳۹۶، ۱۵۵)، نشانه گرایی میترائیسم در مسیحیت رخنه کرده؛ مثل چلیپا، میترائیسم ها صلیب را در دایره "سمبول قدیمی خورشید" رسم می کردند و چهارگوشه صلیب، همان نقطه اساسی و بنیادی راه و حرکت سالانه خورشید است. دو نقطه اعتدال ایام "روز و شب" و دو نقطه انقلاب خورشیدی در مسیحیت، صلیب نشانه رنج و مقاومت شد با اینکه خورشید را در خود حفظ کرد؛ غسل تعمید که از نظر بندگان کیش میترا، شست و شوی انسان از گناهانش بود، چون اعتراف به گناهان و بخشش گناهان گناهکاران در میترائیسم با همان شکل به مسیحیت منتقل شده است. این مراسم که اساس دین میترائیسم بود به صورت سنت اصلی مسیحیت در آمد؛ تا به امروز مقامات ارشد مسیحی کلاهی دارند به عنوان لقب دینی به نام میترا که از پارسیان به ارث برده اند. همچنین میترا پولیت که درجه برتر در کلیسای کاتولیک است و واژه متروپولتین شهر میترا، شهر خورشید را که محل زندگی مردم است، پایتخت می دانستند. (لویی، ۱۳۹۰، ۲۵۸).

پوشاک ایزد مهر و تأثیر آن بر مسیحیت

بی شک یکی از مهم ترین وجوهی که از آن می توان به ماهیت ایرانی ایزد مهر یا میترا غربی پی برد. از قدیمی ترین نقوشی که در ایران مربوط به ایزد مهر است، نقشی است که در طاق بستان وجود دارد و می توان آن را یکی از معدود نقش برجسته های برجای مانده در ایران دانست که مهر در آن به روشنی نقش بسته است. در این نقش برجسته، ایزد مهر لباسی بر تن دارد که نوعی لباس رایج در دوره ساسانی است. این لباس شامل شلوار چین داری است که به نوعی شباهت به شلوارهای دوره سلوکی و اشکانی دارد، در این نقش اهورامزدا در حال اعطای مقام شاهی به پادشاه است. در این نقش برجسته هر دو شلوار به پا دارند که از جانب داخل پا چین خورده و به وسیله بندی به مچ پا چسبیده و هر یک کمر بند، گردن بند و دستبندهایی دارند. (دادور و میرعمادی، ۱۳۹۲، ۴۹)، غیبی در زمینه پوشش ایزد مهر می

نویسد: "بالاپوش آن تا بالای زانو بوده بر روی آن شالی بسته شده است و بر روی بالاپوش شنلی وجود دارد که یکی از اجزایی است که در نقوش این دوره به چشم می خورد. ساسانیان گاهی از شنل به عنوان لباس رو و لباسی که نشانه اشرفیت و پادشاهی بود، استفاده می کردند. مانند شنل شاپور اول در نقش رستم و یا اردشیر پاپکان در طاق بستان که دنباله شنل آنها بر روی نقوش برجسته کاملاً مشهود است." (غیبی، ۱۳۸۸، ۲۱۱)، یکی از ساده ترین تأثیراتی که مهر بر مسیحیت داشته است، در نوع پوششی است که امروزه نمایانگر پوشش مذهبی مسیحیت است. عطایی در این زمینه می نویسد: "در مهرابه هایی که در امپراطوری روم پیدا شده، هر جا شمایی از مهر به جا مانده است. تن پوش مهر را به رنگ ارغوانی یا سرخ کشیده اند، امروز هم در تشریفات بزرگ مانند تاج بخشیدن به کار دینال ها، پاپ و همه کار دینال ها لباس سرخ می پوشند." (عطایی، ۱۳۸۹، ۳۱۵)، بدین ترتیب دین مهر در مسیحیت به حیاط خویش ادامه داد و به همین ترتیب لباس او نیز امروزه حتی به شکل نمادین در پوشاک بابائونل دیده می شود و از جهاتی تبدیل به لباسی مقدس شده است.



(شکل ۳) مسیح با ردای قرمز (دادور و میرعمادی، ۱۳۹۱، ۴۵)

کلاه فریجی در آئین میترا

یکی دیگر از پوشش هایی که در میترائیسم یا آئین مهر همواره به عنوان یک ویژگی مطرح بوده است، کلاه مهر یا میترا موسوم به کلاه فریجی بوده است.



(شکل ۴) میترا با کلاه فریجی. (ورمازن، ۱۳۹۰، ۱۲۰)

در ایران، کلاه برای تفکیک افراد و رفتارشناسی ایشان مطرح بوده است. مقدم در این زمینه می نویسد: "در نقشی در تنگ سروک نزدیک بهبهان مانند کلاه درویشی است که امروزه نیز دیده می شود. این گونه کلاه به کلاه نوک تیز سکاها می ماند که در پیکره تراشی های داریوش در تخت جمشید و بیستون دیده می شود که احتمالاً خاستگاه کلاه مهری باشد." (مقدم، ۱۳۸۸، ۷۴)، این کلاه با توجه به نفوذ بسیار زیاد آئین مهر به نقاط مختلفی از جهان راه یافت، تا آنجا که حتی در بعضی از زمان ها مفاهیم خاص خود را گرفت. در دوره مادها و ساسانیان نیز به همین شکل است. این کلاه نیز بر سر برخی از بزرگان مهری در شاهنشاهی اشکانی و ساسانی و مانند آنها که در نقش رستم و بیشابور تراشیده شده دیده می شود. (ورمازن، ۱۳۹۰، ۲۵)، مادها پوشش سرخود را حفظ کردند و آن عبارت بود از کلاه نرمی که یونانیان آن را فریجین می نامیدند و حدود دو هزار سال بعد انقلابیون فرانسه آن را به عنوان کلاه سرخ آزادی بر سر نهادند. (غیبی، ۱۳۷۸، ۷۷)، باقری به نقل از اوستا می نویسد: "مهر زیناوندی است که کلاه خود بر سر، زره در بر، سپر سیمین به دوش و گرز گران در دست دارد و بر گردونه زرین مینوی که دارای سوار است." (باقری، ۱۳۸۹، ۱۴۴)



(شکل ۵) کلاه سکایی. (مقدم، ۱۳۸۸، ۱۶۹)

این کلاه نه تنها نمادی برای میترا به حساب می آید، بلکه در مراتب هفتگانه این آئین نیز به عنوان مرتبه هفتم که بالاترین مرتبه در آئین مهری است، قرار گرفت. مرتبه ای که مربوط به مقام پدر، پدران است و به عنوان کلاهی مذهبی در دین مسیحیت نیز به کار می رود. مقدم در این زمینه می نویسد: "سر گذاشتن کلاه مهری سرخ در میان عیسوی های مارونی رسم است و آن را در عربی دلف می گویند." امروزه نیز این کلاه به عنوان کلاه پاپ و کاردینال های

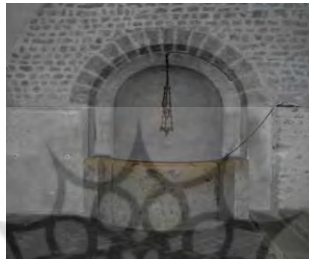
کاتولیک نقش بازی می کند و اسقف ها، نیز در مراسم رسمی خود از آن استفاده می کنند. پس به طور کلی می توان عنوان کرد کلاهی که در ایران زمین معرف اقوام بود، به شکلی از طریق آئین میترائی به اروپا راه یافت و اگر چه این آئین در ادامه و رشد مسیحیت از حرکت باز ماند، اما تجلیات بیرونی آن که یکی از آنها کلاه فریجی است. هم اکنون نیز به عنوان یادگاری از ایران در فرهنگ غربی به جای مانده است.

آئین مهر در کلیسا ها و معابد مسیحی

ارمنستان از زمان امپراطوری ماد تحت نفوذ ایرانیان قرار گرفت. این نفوذ از دیدگاه دینی، تا زمان مسیحی شدن کشور در نیمه قرن سوم ادامه داشت. آرامنه و ایرانیان هر دو از نژاد آریائی بودند که به جهت نزدیکی جغرافیائی در زمینه های گوناگون همچون ادیان و عقاید نکات مشترکی داشته و یا بر هم تأثیر گذار بودند؛ پرستش ایزدان سه گانه اهورامزدا، میترا و آناهیتا بین آنها رایج بوده است. (مکی، ۱۳۹۰، ۱۷۱)، ویدن گرن در این زمینه می نویسد: "ایرانیان باستان همواره در بلندی ها به عبادت، راز و نیاز با خالق می پرداختند و این عبادت سنتی، دعا و سرود خوانی به درگاه اهورامزدا و دیگر ایزدان بوده است." (ویدن گرن، ۱۳۷۷، ۳۴۴).

ایرانیان هنگام تصمیم گیری درباره مسائل قانونی، در آتشکده به مهر سوگند می خوردند و از این رو گاه به آتشکده "دارمهر" یا در مهر می گفتند. "دادگاه در آتشکده ها" که در آنجا عدالت اجرا می شد. این سنت ادامه یافت و در بازلیک ها که بناهای شهری و حکومتی رم باستان بودند دادگاه تشکیل می شد، و این سنت تا دوران مسیحیت ادامه یافت و این بناها به کلیسا تبدیل شد یا اولین کلیساها بر مبنای آنها ساخته شد. نشانه های معابد مهری و کلیساها شامل دو دسته هستند: الف. مجموعه معابد صخره ای اوپلیستیخه "معبد خدایان" شامل غار معبدهایی با معماری متنوع که برخی دارای ورودی رفیع، نماد قوسی، ستون و تزئین سنتوری و بعضی دارای اتاق یا تالاری با سقف مسطح تزئین شده و طاقچه هائی بر دیوارها جهت قرار دادن شمع و آتشدان است. کف اتاق ها حوضچه و آبراه منشعب از آن دیده می شود که این الگو قابل مقایسه با غار معبد های صخره ای "گغاراد" در نزدیکی ایروان است که هنوز چشمه آب آن می جوشد. این اندام شبیه یکی از تالارهای غار کرفتو در استان کردستان نزدیکی شهر

سقز است که دارای حوضچه و آبراه است. احتمالاً نیایشگاه مهر یا آناهیتا بود. از آنجا که حضور آب در نیایشگاه های مهر و آناهیتا ضروری و از ارکان اصلی محسوب می شد. منبع آب در این اماکن از گذشته تا کنون به شکل چشمه، چاه، حوضچه آب و سنگاب در مکان های مقدس وجود داشته است. امروزه در کلیساهای اروپا و آسیا آثار مهرابه ها برجاست برای نمونه می توان به حوض آب و سنگاب در شبستان و تعمیرگاه کلیسای سن و تیاله در راونا- ایتالیا و چاه آب کلیسای شارتر فرانسه اشاره کرد که حاکی از آئین های نیایش میترا و انجام غسل عبادی مربوط به آن است، (جوادی، ۱۳۹۳، ۳۵).



(شکل ۶) چاه آب، تعمیرگاه کلیسای شارتر- فرانسه. (جوادی، ۱۳۹۳، ۴۴)

در گذشته بر بلندای تپه کلیساهای کوچکی واقع شده که از نمونه های قدیمی کلیساست که الگوی ساده و ابتدایی آن تقلید از معابد میترایبی منطقه را گواهی می دهد؛ معماری که در این کلیساها به کار رفته را می توان در شماری از زیارتگاه های ایران از جمله چهار طاقی بی بی شهربانو "شهر ری" و مسجد جامع نراق مشاهده کرد که از نیایشگاه های کهن پیش از زرتشت بودند و بعداً به آتشکده تبدیل شدند. در مناطق مسیحی نشین مستقیماً به کلیسا تبدیل شدند. مرکلباخ در این زمینه می نویسد: "در اروپا نیز مهرابه های غاری متروک شده و مسیحیان پیروز کلیسای خود را بیشتر روی مهر کده های مقدس بنا می کردند، در رم نیز توانستند بسیاری از غارهای میترایبی را زیر کلیساهای مسیحی باز یابند." (مرکلباخ، ۱۳۸۷، ۲۹۱) ب: منطقه کوهستانی "گگارد": در نزدیکی شهر ایروان در ارمنستان در دل صخره های عظیم و با شکوه خود مجموعه ای از غار معبدهای اسرار آمیز میترایبی را جای داده است. در دامنه کوه در جوار کلیساهای غاری بر بقایای نیایشگاه های پیشین کلیسای عظیمی بنا شده که دارای دو شبستان تودرتو در طبقه همکف و تالارهایی در طبقه اول است. امروز بخش اصلی و فعال کلیسا طبقه

همکف است که با ورودی از سمت غرب به تالارهای عظیم و ستون دار می رسد که از پنجره سمت شرق نور می گیرد و از گوشه سمت مقابل پلکانی به طبقه بالا می رود. بر دیوارهای متقابل و طرفین ورودی شبستان خصوصی، مهراب هایی تزئینی بر دیوار جای گرفتند. انتهای شبستان خصوصی که محل عبادت و اجرای مراسم جمعی است؛ شاه نشین و مهراب روی سکو و با ارتفاع بالاتر از کف در جهت شرق واقع شده اند. الگوی معابد مهری و بازیلیک ها و کلیساهای صدر مسیحیت به همین صورت بود. یعنی صحن اصلی مستطیل شکل است با پنجره ای که زیر سقف و از سمت شرق و بالای مهراب نور می گیرد، مقابل مهراب، مذبح و طرفین این فضا سکوهایی برای نشستن وجود دارد. ورودی ها ابتدا در طرفین شاه نشین و مهراب و انتهای شرقی قرار داشته که بعداً به نقطه مقابل و جهت غربی منتقل شد. (جوادی، ۱۳۹۳، ۳۳).

نتیجه گیری و پیشنهادها

مهر از ایزدان باستانی یا هند و ایرانی پیش از روزگار زرتشت است. پس از ظهور زرتشت و رواج دین زرتشتی، یکی از ایزدان یا فرشتگان دین مزدیسنا گردید. این اسطوره در هند و ایران پیشینه دیرینه دارد، کهن ترین سند عهدنامه میتانی و هیتی هاست. سند یاد شده در سال ۱۹۰۷ م، در حفاری های بغاز کوی پاتخت هیتی ها در شمال غربی آسیای صغیر به دست آمد. مهر یا میترا در ودا معمولاً نامش همراه ورونا ذکر شد و از ۱۰۲۸ سرود ریگ ودا، فقط یک سرود خطاب به اوست. میترا خدای روز و ورونا خدای شب معرفی شدند. ایرانیان آریائی مهرپرست بوده و مغ ها به عنوان روحانیون دین مهر از طایفه های بزرگ شهرنشین بودند. زرتشت پیامبر هم در وهله اول مغ بود و بعدها اصلاحاتی در آئین مهر وارد کرد و به دین جدید در آمده و در نهایت به پیامبری مبعوث شد. میترائیسم در اروپا چند قرن رواج داشت و بر روی مسیحیت تأثیر گذاشت؛ آئین مهر و مسیحیت اشتراکات زیادی دارند؛ مراسم تطهیر و غسل تعمید نیز در هر دو مذهب مشترک بود. افروختن شمع در کلیساهای نواختن ناقوس، وجود حوضچه های آب در ورودی های کلیسا، نوع پوشش مهر از جمله لباس و کلاه فریجی در هر دو آئین یکی بود، مراسم شام آخر و خوردن شراب در هر دو دین مشترک بود. مسیح و مهر هر دو در روز رستاخیز ظهور کردند و اعمال انسان را داوری نمودند: مقام هفتم از آئین میترا مقام پدر پدران

است که به دین مسیح راه یافته و کشیشان پدران مقدس و پاپ پدر پدران نام گرفتند. در نهایت روز تولد مهر یا خورشید شکست ناپذیر، همان روز انقلاب زمستانی در روم، ۲۵ دسامبر که در سده چهارم، م. روز میلاد مسیح تعیین شده و به عید کریسمس شهرت یافت.

پی‌نوشتها

کلاه سرخ به گونه‌ی یک کیسه است که نوک آن به عقب برگشته و مارونی‌ها آن را بر سر می‌گذارند.

منابع

۱. ارزانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۸)، معنویت مسیحی، فصلنامه اخلاق، ش ۱۸، ص ۱۳۶.
۲. اولانسی، دیوید. (۱۳۸۰)، پژوهشی نو در میترا پرستی، ترجمه مریم امینی، چاپ اول، تهران: نشر چشمه.
۳. آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۷)، آیین مهر در اسطوره و تاریخ و سیر تحول آن در شرق و غرب، فصلنامه هنر و تمدن شرقی، س ۶، ش ۲۲.
۴. باقری، مه‌ری. (۱۳۸۵)، دین‌های ایران باستان، چاپ اول، تهران: قطره،
۵. پورداود، ابراهیم. (۱۳۷۷)، یشت‌ها، چاپ اول، تهران: اساطیر.
۶. جعفری، حسین‌علی. (۱۳۹۶)، تأثیر مهرپرستی بر مسیحیت، فصلنامه علمی و پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، س ۸، ش ۳.
۷. جلالی نائینی، محمدرضا. (۱۳۷۲)، گزیده سرودهای ریگ ودا، چاپ اول، تهران: نقره.
۸. جلالی نائینی، محمدرضا. (۱۳۸۴)، ثنویان در عهد باستان، چاپ اول، تهران: طهوری.
۹. جوادی، شهره. (۱۳۹۳)، تداوم نشانه‌ها و بقایای معماری "مهری" ففقا در کلیساهای ارمنستان و گرجستان، س ۱۱، ش ۳۱.
۱۰. دادور، ابوالقاسم؛ میرعمادی، علی. (۱۳۹۲)، پوشاک ایرانی ایزد مهر، نمادی شرقی در فرهنگ و تجلیات میترا در غرب، نشریه هنرهای زیبا-تجسمی، دوره ۱۸، ش ۳.

۱۱. رجبی، پرویز. (۱۳۸۴)، هزاره های گمشده، چاپ اول، تهران: توس
۱۲. رستم پور، سالومه. (۱۳۸۲)، مهرپرستی در ایران، هند و روم، چاپ اول، تهران: خورشید آفرین.
۱۳. شایان، فریدون. (۱۳۸۰)، سیری در تاریخ ایران باستان، چاپ اول، تهران: زر.
۱۴. شایگان، داریوش. (۱۳۷۱)، ادیان و مکتب های فلسفی هند، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
۱۵. شورتهایم، المار. (۱۳۸۷)، گسترش یک آئین ایرانی در اروپا، ترجمه نادر قلی درخشانی، چاپ اول، تهران: ثالث.
۱۶. عباسیان، احمد. (۱۳۸۵)، فلسفه و آئین زرتشت: نقش تقدس اسطوره ها در سیاست و قدرت رهبری، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.
۱۷. عطایی، امید. (۱۳۸۹)، پیامبر آریایی "ریشه های ایرانی در کیش جهانی" چاپ چهارم، تهران: عطایی.
۱۸. غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۸)، هشت هزارسال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، چاپ سوم، تهران: هیرمند.
۱۹. کریستنسن، آرتور. (۱۳۷۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ اول، تهران: معاصر.
۲۰. کومن، فرانسیس. (۱۳۸۰)، آیین پر رمز و راز میترا، ترجمه هاشم رضی، چاپ اول، تهران: بهجت.
۲۱. گویری، سوزان. (۱۳۸۵)، آناهیتا در اسطوره های ایرانی، چاپ اول، تهران: ققنوس.
۲۲. لویی، گاسک. (۱۳۹۰)، پژوهشی در کیش و اسرار میترا، ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: میترا.
۲۳. مرکلباخ، راینهولد. (۱۳۸۷)، میترا آئین و تاریخ، ترجمه توفیق گلی زاده، چاپ دوم، تهران: اختران.
۲۴. مقدم، محمد. (۱۳۸۸)، جستاری درباره مهر و ناهید، چاپ سوم، تهران: هیرمند.

۲۵. مکی، مریم. (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی ایزدان سه گانه در ایران و ارمنستان در دوران باستان، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، س ۷، ش ۲۲.
۲۶. ورمارزن، مارتین. (۱۳۹۰)، آئین میترا، ترجمه بزرگ نادر زاده، چاپ هشتم، تهران: چشمه.
۲۷. ویدن گرن، گئو. (۱۳۷۷)، دین های ایرانی، ترجمه منوچهر فرهنگ، چاپ اول، تهران: آگاهان ایده.
۲۸. هینلز، جان راسل. (۱۳۸۵)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ دهم، تهران: چشمه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی